



آیا انحلال نیروهای حشد الشعبی در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است؟

خیز واشنگتن

برای مهار حشد



ناعمه اصفهانیان

درحالی‌که تحولات لبنان و فلسطین نگاه‌ها را به خود جلب کرده‌اند، عراق به خط مقدم رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. با انتصاب مارک ساویا به عنوان فرستاده ویژه آمریکا در عراق، به نظر می‌رسد واشنگتن در حال بازتعریف نفوذ خود از طریق ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی است؛ اما پشت این ظاهر رسمی، فشارها و مداخلات مشخصی بر حشد الشعبی مشاهده می‌شود؛ گروهی که زمانی ستون مقاومت عراق در برابر داعش بود و امروز در کانون توجه استراتژیک ایالات متحده قرار دارد.

فشار دیپلماتیک؛ پیام روشن ایالات متحده

مارک ساویا، فرستاده ویژه آمریکا در عراق، در اولین موضع‌گیری‌های عمومی‌اش در شبکه ایکس نوشت: «جایی برای گروه‌های مسلحی نیست که خارج از اقتدار دولت عمل می‌کنند.» او تأکید کرد ثبات عراق مشروط به وجود نیروهای امنیتی یکپارچه است که زیر فرمان دولت و فرماندهی واحد فعالیت کنند. در همین راستا، ساویا حمایت واشنگتن را از تلاش‌های بغداد برای کاهش نفوذ خارجی، به ویژه از جانب ایران، اعلام کرده است.

فرستاده‌ای با پس زمینه اقتصادی

مارک ساویا یک تاجر است. به گزارش یورونیوز او بنیان‌گذار شرکت Leaf and Bud یک فروشگاه زنجیره‌ای ماری‌جوانا در ایالت میشیگان است. او از جامعه کلدانی (مسیحی عراقی) است که چندی پیش توسط دونالد ترامپ به عنوان نماینده ویژه آمریکا در عراق منصوب شده است. او پس از انتصاب در پستی در شبکه X شعاری شبیه MAKEIRA Q GREAT AGAIN را نوشت که یادآور شعار انتخاباتی ترامپ است. ساویا نسبت به نفوذ ایران بسیار حساس بوده و از آن به عنوان مشکلی تهدیدآمیز برای حاکمیت عراق یاد می‌کند. از سوی دیگر، او اعلام کرد ایالات متحده از تلاش‌های بغداد برای بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها حمایت می‌کند. انتصاب چنین فردی از سوی ترامپ به عنوان فرستاده ویژه عراق، نمادی از رویکرد نفوذ نرم واشنگتن تفسیر می‌شود؛ نفوذی که مبتنی بر دیپلماسی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و حضور غیرنظامی است.

کنترل از طریق قانون‌گذاری

در بیانیه‌های ساویا، نگرانی از مداخله مخرب خارجی، به ویژه از سوی ایران به صراحت دیده می‌شود. او می‌گوید ایالات متحده از تلاش بغداد برای کاهش نفوذ گروه‌های نیابتی ایران در عراق حمایت می‌کند و خواستار پایان فعالیت گروه‌های مسلح غیرقانونی شده است. این موضع‌گیری دقیقاً همسو با سیاست راهبردی ادعایی واشنگتن برای ایجاد یک امنیت تحت کنترل دولت مرکزی است. چندی پیش نیز پیش‌نویس یک لایحه قانونی در پارلمان عراق در مورد حشد الشعبی که هدف آن سازماندهی بهتر و ایجاد استقلال مالی و نظامی بیشتر بود، با واکنش شدید آمریکا مواجه شد. ایالات متحده نگران است که قانونی شدن استقلال حشد، به تقویت نفوذ ایران در عراق و تبدیل آن به نهادی مشابه سپاه پاسداران منجر شود. مارک رویو، وزیر امور خارجه ایالات متحده در اظهارنظری بیان کرد این لایحه پیشنهادی نفوذ ایران و گروه‌های تروریستی مسلح را که حاکمیت عراق را تضعیف می‌کنند، نهادی خواهد ساخت. بنیاد FDD نیز نگرانی ایالات متحده را در مورد قانونی شدن گروه‌های حشد به عنوان نیروی امنیتی مستقل بیان کرده است. این نگرانی‌ها باعث شده آمریکا دخالت سیاسی و فشار دیپلماتیک

بر قانون‌گذاران عراقی را افزایش دهد، در نتیجه این فشارها، لایحه به تعویق افتاد و تصویب آن به دوره پارلمان بعدی موکول شد.

ابزار مالی؛ فشاری دیگر بر حشد الشعبی

در بیانیه‌های ساویا آمده تسلط دولت بر سلاح و منابع مالی گروه‌های مسلح، شرط لازم برای حاکمیت کامل عراق است. با این تأکید، آمریکا عملاً از اهرم مالی برای فشار بیشتر بر بخش‌هایی از حشد استفاده می‌کند که استقلال زیادی دارند و می‌توانند تهدیدی برای منافع واشنگتن و بغداد باشند؛ تهدید به توقف پرداخت حقوق و فشار بر بانک‌هایی که این مبالغ را منتقل می‌کنند، بخش‌هایی از حشد الشعبی را تحت فشار قرار می‌دهد و استقلال عملیاتی آن‌ها را محدود می‌کند. این اقدام در کنار فشار دیپلماتیک و فشار بر نمایندگان پارلمانی، نشان‌دهنده استراتژی چندلایه واشنگتن برای اعمال نفوذ است؛ اما عراق اکنون خود نیز در وضعیت پیچیده‌ای است. نخست‌وزیر سودانی در مصاحبه‌هایی از جمله با رویترز گفته خروج کامل سلاح از گروه‌های خارج از دولت باید همراه با خروج تدریجی ائتلاف بین‌المللی باشد.

بازی در میدان انتخابات

در فرایندی نه چندان پنهان آمریکا تلاش کرده از طریق مداخله در روند‌های انتخاباتی عراق، نفوذ سیاسی گروه‌های حشد را کاهش دهد. گروه‌هایی مانند نُجباء و برخی گردان‌های حشد در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند تا امکان حضور سیاسی آن‌ها محدود شود. این گام‌ها با هدف کاهش نفوذ ایران در نهادهای تصمیم‌ساز عراق صورت گرفته و نشان‌دهنده تلاش برای بازتعریف میدان قدرت در عراق است.

چالش‌های عملی؛ درگیری‌های داخلی

حشد الشعبی امروز با چند واقعیت مهم میدانی دست و پنجه نرم می‌کند. برخلاف تصویری که گاهی از بیرون ارائه می‌شود، همه واحدهای حشد تحت یک فرماندهی یک‌دست عمل نمی‌کنند؛ گزارش‌ها نشان می‌دهد برخی گروه‌ها هنوز ساختارهای نیمه‌مستقل دارند و همیشه به تصمیمات مرکز تمکین نمی‌کنند. از طرف دیگر، وضعیت داخل طیف شیعی عراق هم آن قدرها «یکپارچه» نیست. بخشی از گروه‌های شیعه که وارد سیاست شده‌اند، لزوماً در یک جبهه قرار نمی‌گیرند و همین شکاف‌ها، میدان‌ها را برای بازیگران خارجی به ویژه آمریکا باز می‌کند. این چندپارگی یک نکته کلیدی دارد؛ هرچا جریان‌های سیاسی شیعه بخواهند وزن نیروهای مقاومت را کم کنند، آمریکا با فاصله پشت آن‌ها می‌ایستد و از آنان حمایت سیاسی و رسانه‌ای می‌کند؛ اما اگر گروه‌های نزدیک‌تر به محور مقاومت قدرت بگیرند، سیاست واشنگتن به سمت فشار، مهار و تشدید محدودیت‌ها می‌رود. به عبارت دیگر، همین اختلافات داخلی در بغداد می‌تواند به برگ برنده‌ای برای ایالات متحده تبدیل شود تا تعادل قوا را به نفع خودش دست‌کاری کند. درگیری‌های پراکنده در بغداد میان نیروهای حشد و پلیس فدرال، نمایانگر چالش‌های داخلی و استقلال عملیاتی این نیروهاست. چنین

شکاف‌هایی، به نفع فشارهای خارجی عمل می‌کنند و آمریکا از آن‌ها به عنوان فرصت برای محدودسازی حشد استفاده می‌کند. در برخی گزارش‌ها مثل رویترز آمده حملاتی از سوی آمریکا به پایگاه‌هایی از نظامیان مرتبط با PMF یا همان بسیج نیروهای مردمی، انجام شده است. این‌گونه حملات می‌تواند نشانه‌ای از اراده آمریکا برای محدودکردن بخش‌هایی از حشد الشعبی باشد، خصوصاً آن‌هایی که تهدیدی برای نیروهای آمریکایی یا منافع راهبردی واشنگتن محسوب می‌شوند. در تحلیل روزنامه‌های اخبار نیز گفته شده کارزار آمریکایی-اسرائیلی برای محدودسازی گروه‌های مقاومت در عراق، در حال شدت گرفتن است. گزارش‌هایی هم وجود دارند مبنی بر اینکه برخی گروه‌های حشد (مثل کتائب حزب‌الله) در پاسخ به فشارها اعلام کرده‌اند از برخی مناطق عقب‌نشینی می‌کنند. دیوید شنکر در مؤسسه واشنگتن هشدار داده اگر گروه‌های مقاومت شیعه مهار نشوند، ممکن است سلطه‌شان بر حکومت بیشتر شود، مشابه تجربه نیروهای نیابتی در خاورمیانه. این یعنی بخشی از تحلیل‌گران آمریکایی دقیقاً نگران قدرت روبه‌رشد حشدند، و از این منظر فشار بر آن‌ها از سوی آمریکا پیش‌بینی پذیر است. در مقابل برخی ادعاها، نخست‌وزیر عراق (محمد شیاع سودانی) گفته که «آمریکا درخواستی برای انحلال حشد الشعبی» نداشته است!

کنترل نرم، نه حذف کامل

ترکیب فشار دیپلماتیک، ابزار مالی و تلاش برای قانون‌گذاری نشان می‌دهد آمریکا در صدد یک سیاست خنثی‌سازی راهبردی است، نه لزوماً انحلال کامل حشد. به نظر می‌رسد هدف واشنگتن حفظ نفوذ در عراق، محدودکردن بخش‌هایی از حشد که بیش از حد مستقلند و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران از طریق حشد الشعبی باشد. این مدل شبیه به استراتژی‌هایی است که آمریکا در مقابل گروه‌هایی مانند حزب‌الله یا حماس پیاده کرده؛ اما در عراق با پیچیدگی محلی بیشتر، تحلیل‌گران معتقدند انحلال حشد در صدد محدودسازی و بازآرایی قدرت گروه‌های مقاومت شیعه است، به شیوه‌ای مشابه آنچه پیش‌تر با حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین انجام شد.

کلام آخر؛ سناریوهای آینده

آینده حشد الشعبی ممکن است به یکی از مسیرهای زیر برود؛ کنترل راهبردی بخشی از نیروها، انحلال انتخابی جناح‌های نزدیک به ایران، یا نهادینه‌سازی مشروط که بخشی از آن در ساختار رسمی دولت ادغام شود. هر یک از این سناریوها پیامدهای سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای خاص خود را به همراه دارد و می‌تواند تعامل عراق با ایران و آمریکا را به شکل قابل توجهی تغییر دهد. استراتژی آمریکا در عراق در دوره کنونی، ترکیبی از فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک است که هدف آن محدودسازی و بازآرایی حشد الشعبی است. این رویکرد، شباهت‌هایی به سیاست آمریکا در مواجهه با حزب‌الله و حماس دارد، با این تفاوت که این بار تمرکز بر عراق و بازیگران داخلی آن است. موفقیت یا شکست این استراتژی پیامدهای مهمی برای امنیت داخلی عراق، نفوذ ایران و آینده نیروهای مقاومت خواهد داشت.